

آینه

جمهوری اسلامی

روحانیت وضابطه‌مندی

● **مسیح مهاجری:** ... مواجه‌شدن با این صحنه‌ها اعصابی یولادین می‌خواهد. معلوم نیست این طلبه‌های جوان در کدام مدرسه و حوزه علمیه و نزد کدام استاد درس خوانده‌اند که برای خودشان این قبیل اقدامات سخیف را مجاز می‌دانند! بعضی از کاربران، در تفسیر اقدام آن طلبه که در کنار خودروی پراید قدم می‌زد و منتظر بود برای خواندن عقد به او مراجعه نشود نوشته‌اند: «منظورش خواندن صیغه عقد موقت برای دخترها و پسرها یا مردان متاهل است که در شناسنامه ثبت نمی‌شود و یک دفترچه به آنها می‌دهند که هتل‌ها قبولش دارند». سؤال این است که این دفترچه را چه کسی اختراع کرده؟ چه کسی و چه نهادی به هتل‌ها اجازه داده چنین دفترچه‌ای را بپذیرند؟ کدام دستگاه مجاز بوده اجرای عقد بدون ثبت در شناسنامه را بلااشکال اعلام کند؟ و اصولا این آقای طلبه چرا چنین شغلی را انتخاب کرده که مفهومی غیر از مجازکردن فساد و ترویج فحشا و رسمیت‌بخشیدن به آلودگی‌های اخلاقی و بی‌بندوباری‌ها ندارد؟... اگر از طلبه‌هائی که مدیریت مسابقه سپ‌خوری را در ساحل دریای مازندران برعهده داشتند و آن طلبه که در جاده چالوس تابلوی اجرای عقد بدون ثبت در شناسنامه را بالا برده بود پرسیده‌شود چرا چنین می‌کنید؟ بگویند هدف ما عادی‌سازی روابط مردم با روحانیت و یا حل مشکلات شرعی آنها و جذب حداکثری است. و شاید این طلبه‌های جوان واقعا هم چنین اعتقادی داشته باشند، ولی آیا نهاد روحانیت باید این چنین بی‌ضابطه و بی‌درووازه باشد که هرکس هر کاری به نظرش رسید انجام بدهد و هیچ نظارتی بر کار او نباشد؟ ...!

کیم‌تان

زندگی در۲ فضا

● **حسین شمسیان:** ... نباید در آمار تردید کنیم، بلکه باید بگوئیم؛ آمار صبحی است و حتی با فروتنی و تواضع نوشته شده، اما ما نمی‌توانیم درک کنیم! عیب از مردم است نه از آمار! اینکه مردم نمی‌فهمند توروم هفت درصد شده، تقصیر آمار نیست، آمار منطق علمی دارد و لابد ما از علم و هوش و حتی عقل بهره‌ای نبرده‌ایم! اینکه در سه ماه یک‌میلیون شغل ایجاد شده، اما هنوز بچه‌های ما و همسایه بغل‌دستی و همسایه کوچ‌پشتی بی‌کار هستند، تقصیر خودشان است و اصلا تئیل و تِن‌پوروند وگرنه این‌همه شغل و پست دولتی بود که از بس کسی نفرت سراغشان، مجبور شدند بدهند به فرزند فلان وزیر وکیل و...! پس باز باید خودمان را و فرزندانمان را به‌خاطر تن‌آسایی و تِن‌پوروی سرزنش کنیم...
اوایل دهه ۷۰، عده‌ای دانشور زیر چرخ‌های توسعه له می‌شدند، برخی این له‌شدن فقرا را کاملا طبیعی می‌دانستند و برایشان توجیه می‌تراشیدند و برخی داشتند غنیمت جمع می‌کردند! آن روزها، آمارها از بهبود و رشد مثبت تمام شاخص‌های اقتصادی حکایت می‌کرد، حتی از شاخص عدالت؛ خوب که نگاه کنیم می‌بینیم که دهه هشت‌اندزگران آن روز -البته به‌جز آنها که دستشان از دنیا کوتاه است - امروز هم در پست‌های کلیدی به کار مشغولند! آیا آزموده را آزمودن خطا نیست؟!

تخریب

برای حصر باید در سایه به دنبال پاسخ بود، نه‌روی سن نمایش!

● **امیر محبیان:** ... افعال سیاسی چون حصر و امثالهم ماهیت امنیتی دارند و تا فضایی امنیتی ذهن‌های تصمیم‌گیرنده تعدیل نشود؛ تصمیمات تغییر نخواهد کرد. البته محصورین هم تلاشی در این زمینه نمی‌کنند؛ هنگامی که آنها خود را محق می‌دانند لابد مسئولیت آنچه رخ داده را قبول دارند. درح‌حال معمولاً پرونده‌های امنیتی آن هم در این سطح پیچیده و همچون هزارتویی است که البته گاه با یک حرکت ساده حل می‌شود و گاه با هر حرکت گره کورتر می‌شود. پیشنهاد من این است که این مسئله به محور مطالبات تبدیل نشود زیرا فلسفه وجودی حصر به خاطر محاسبه خطرات امنیتی است وقتی آن را محور مطالبات کنید طبعاً گره‌ها محکم‌تر می‌شود؛ چون اتفاق در حال تأییدکردن منطق حصر هست‌سند؛ این بحث باید در حاشیه و در سایه برایش جواب یافت نه در روی سن نمایش!...

تخریب

دستگاه دیپلماسی، مرعوب‌برجام

● **عبدالله متولیان:** ... از موضوعات اساسی در مهندسی نظام سلطه جهت چپاول قانونمندی کشور‌های تحت ستم، موضوع «مدریت دیپلماسی» است که به‌عنوان روشی محکمه پسند و متمدنانه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... سلطه‌گران را در جهت تیل به اهداف آنان از طریق «قدرت دیپلماسی» باری می‌کند. دیپلماسی به‌عنوان روشی نوین برای سلطه بر کشورهای هدف به معنی حفاظت از منافع کشور و وصول به اهداف سیاست خارجی از طریق اعمال قدرت (تخریب خواه نظامی و خواه دیگر اشکال قدرت از جمله اقتصادی، فرهنگی، علمی، عقیدتی و...) است... دستگاه دیپلماسی نباید مرعوب برجام باشد و نباید همت خود را مصروف سربا نگه‌داشتن لاشه برجام نافرجام کند ...

politics@sharghdaily.ir

● **کا** از محل تولد و خانواده‌تان شروع کنیم. شما متولد سال ۱۳۲۸ در شهر قم هستید. درست است؟

شناسنامه من در قم ثبت شده و متولدسال ۱۳۲۸. اما در محله‌ای در حاشیه شهر اصفهان به‌دنیا آمدم که البته اکنون کاملاً در شهر واقع شده است. ولی در قم بزرگ شدم.

● **سن شما اصلا به چهره‌تان نمی‌خورد. من فکر نمی‌کردم بیشتر از ۵۰ سال داشته باشید!**

حسن نظر شما است. (با خنده)

● **دل‌بلیش چیست؟ فعالیت خاصی می‌کنید یا خانوادگی این‌طور هستید؟**

دل‌بلیش خاصی ندارد. مقداری هم جنبه ژنتیک دارد! شما هم رزن خوب دارید؟!

نه ما رزن خوب نداریم. (می‌خندند) در بعضی از خانواده‌ها پدر یا مادر خانواده، استعداد بیماری دارند (مثلا استعداد سرطان)، استعداد یا رزن بیماری باعث می‌شود افراد زود پیر شوند یا از عمر آنان کاسته شود. خوشبختانه در خانواده ما چنین مشکلی نداشته‌ایم. البته دلایل طول عمر پدر شاید این باشد که ایشان خیلی حفظ‌الصحه را رعایت می‌کنند. از جمله در غذاخوردن و در استفاده از دارو ملاحظه دارند. ایشان کمتر از داروهای شیمیایی استفاده می‌کنند.

کا اصلا؟

خیلی کم. یک بار که عمل جراحی انجام دادن. در دوره نقاهت مدت کوتاهی دارو مصرف می‌کردند. به‌هرحال علی‌رغم کبر سن، ایشان معمولاً صبح و عصر پیاده‌روی می‌کنند. هفته‌ای یک بار، اگر شنا هم نکنند در استخر راه می‌روند. ما هم به‌همین‌دلیل عادت کرده‌ایم که بعضی از مسائل را رعایت کنیم. نکته دیگر سرخیزی ایشان است. درطول ۶۰ سال گذشته هرشب یکی، دوساعت قبل از اذان صبح برای نماز شب برمی‌خیزند و تا طلوع آفتاب بیدار هستند. این هم در سلامتی و طول عمر ایشان بی‌تأثیر نیست.

● **کا فضای خانوادگی شما در دوران کودکی و نوجوانی چطور بود؟ باتوجه به اینکه پدر هم فعالیت سیاسی داشتند، شکل حضور ایشان در خانه چطور بود؟**

ما عمدتاً در قم زندگی می‌کردیم. ممکن بود سالی، یکی دو ماه به اصفهان برویم، به‌این‌خاطر که تمام بستگان ما در اصفهان بودند. خب پدر هم مثل بسیاری از طلاب حوزه علمیه، به لحاظ اقتصادی زندگی سختی داشتند. به عنوان نمونه، ما در شهر قم سال‌ها اجاره‌نشین بودیم و هر سال از یک محله به محله دیگری می‌رفتم. فکر می‌کنم تا سال‌های ۴۴ یا ۴۵ می‌ منزل شخصی نداشتم. بعدها منزلی را که زمین آن همسایه بود و الان به صورت کلنگی درآمده به صورت اقساطی خریداری کردند که هنوز وقتی به قم سفر می‌کنند مورد استفاده ایشان است. زندگی سختی داشتیم. سال ۴۱ که قیام امام شروع شد، من جوانی دبیرستانی بودم. پدر از آن موقع، همراه امام بودند. سال ۴۳ که کلاس نهم را به پایان رساندم، وارد حوزه شدم، در مدرسه‌ای که شهید بهشتی بنیان‌گذار آن بود.

کا مدرسه حقانی؟

بله. از سال ۴۷ هم به‌دلیل برخی از فعالیت‌های سیاسی که داشتم، تحت تعقیب بودم.

کا خیلی زود فعالیت سیاسی را شروع کردید.

بله ۱۹ ساله بود. اطلاعات‌ها و بیانیه‌های امام را تکثیر و پخش می‌کردم. از همان زمان هم تحت تعقیب قرار گرفتم. در ایام محرم یا رمضان هم برای تبلیغ به شهرهای مختلفی می‌رفتم و در تبلیغات از امام حمایت می‌کردم. نام امام را می‌آوردم، به‌همین‌دلیل هم چندبار در شهرستان‌های مختلف دستگیر شدم. ما به صورت خانوادگی دنبال راه امام بودیم. برادر هم به بعد از انقلاب کشته شد، از همان سال‌های نخست مبارزه، رساله‌های امام را توزیع می‌کرد و به‌همین‌دلیل شش ماه در زندان قصر، زندانی شد. از سال ۵۰ به بعد کم‌کم وارد جریان مبارزه مسلحانه شد. پدرم را هم از سال ۴۵ مرتب بازداشت می‌کردند. در دهه ۵۰، از آنجا که شدیداً تحت تعقیب ساواک بودم و نتوانسته بودم من و برادرم را پیدا کنند، پدرم را به کمیته ضدخرابکاری تهران بردن و مورد شکنجه روحی قرار دادند. به ایشان فشار می‌آوردند، چون فکر می‌کردند پدر از محل اقامت ما خبر دارد یا می‌تواند با ما دسترسی پیدا کند.

کا دسترسی پیدا کردند؟

خیر.

● **کا فعالیت سیاسی شما بیشتر تحت‌تأثیر پدر بود یا برادر؟**

قطعا اینکه در چنین خانواده‌ای بزرگ شده بودیم، پدرم کاملاً تأثیر داشت. ولی من شخصا بیشتر تحت‌تأثیر شهید بهشتی بودم. در دبیرستان تحصیل می‌کردم که ایشان مؤسس آن بودند، دبیرستان دین و دانش. به خاطر دارم، در سال ۱۳۴۲ یک روز صبح مرحوم شهید بهشتی سر صف برای دانش‌آموزان صحبت کرد و اعلام کرد که امام را دستگیر کرده‌اند و شهر متشنج است و به ما توصیه کرد در شهر و خیابان که تردد دارید، مراقب باشید. قبل از دستگیری امام- در سال‌های ۴۱ و ۴۲ - ما به منزل امام رفت‌وآمد داشتیم. از شهرهای مختلف برای دیدن امام می‌آمدند. من در هر دو سخنرانی امام هم سخنرانی محرم و هم سخنرانی آرخشان درباره کاپیتولاسیون حضور داشتم و سخنان ایشان را از نزدیک شنیدم. مجموعه این رخدادها بر فعالیت و جهت‌گیری سیاسی من تأثیرگذار بود؛ نه اینکه به یک مورد مشخص محدود بشود.

● **کا شما، پدر و برادران فعالیت سیاسی داشتید، شرایط خانه برای مادر سخت نبود؟ گایه با شکایتی نداشتند؟**

البته سخت بود، خیلی هم سخت بود. سال ۴۵ پدرم را به زندان قزل‌قلعه آورده بودند. ما مجبور بودیم با اتوبوس از قم به تهران حرکت کنیم. کاراز اتوبوس‌ها در خیابان ناصرخسرو بود.

سیاست



عکس: رضا عیارپز

علی جنتی از زندگی و زمانه‌اش می‌گوید

ماژن خوب نداریم

مرحان توحیدی

شاید اگر بر کرسی وزارت ارشاد دولت روحانی تکیه زده بود، تا این اندازه رابطه پدر و پسر ی آنها در مرکز توجه قرار نمی‌گرفت و البته اختلاف سلیقه‌هایشان نمایان نمی‌شد. اختلافاتی که علی جنتی می‌گوید دیگر بحث درباره آنها را رها کرده و در مرادوات پدر و فرزندی تنها به موضوعات خانوادگی می‌پردازند. در ایام انتخابات، علی جنتی را به‌واسطه حضورش در ستاد انتخاباتی دیده بودم. بعد از انتخابات که برای گفت‌وگو با او در دفترش حاضر شدم، دیدم بیشترین مشغولیتش سامان دهی به فعالیت حزب اعتدال و توسعه است. با او از کودکی‌اش آغاز کردم تا به امروز که در ۶۸ سالگی قرار دارد؛ وقتی گفتم سشن به چهره‌اش نمی‌خورد از اسعداد خوب خانوادگی‌شان سخن گفتم! با حوصله به سؤالات پاسخ گفتم. تاجایی که در روز متوالی برای گفت‌وگو وقت گذاشیم. روایت زندگی جنتی، روایت زندگی چریکی است که بعد از انقلاب تا جایی دستخوش تحولات می‌شود که با وزارت فرهنگ و ارشاد پیوند می‌خورد. در بخش اول این گفت‌وگو با جنتی درباره روایت کودکی، تحصیل، فعالیت‌های مسلحانه قبل از انقلاب، ازدواج، ماجرای برادرش حسین و برادر ناتنی‌اش حسن، حضورش در صداوسیمما، پاسکای‌های اوایل انقلاب، استانداری خوزستان، استانداری خراسان و ماجرای شورش حاشیه‌نشین‌ها در مشهد صحبت کردیم. بخش دوم این گفت‌وگو فردا منتشر خواهد شد.

● **کا با مادر می‌آمدید؟**
گاهی با مادر می‌آمدیم، گاهی تنها می‌آمدم. وقت زیادی می‌گرفت از اتوبوس پیاده می‌شدیم. باید چند خط اتوبوس واحد سوار می‌شدیم و مدام تغییر مسیر می‌دادیم تا به قزل‌قلعه برسیم و بعد هم منتظر بنامیم تا ایشان را ببینیم.

● **کا از طریق برادران حسین با مجاهدین خلق ارتباط پیدا کردید. هیچ‌وقت خودشان جذب فعالیت‌های سازمان نشدید؟**

خیر. فداایان خلق از سال ۴۹ مبارزه مسلحانه را آغاز کردند. بعد هم در واقعه سیاهکل به یک پاسگاه حمله کردند و آن را گرفتند. قبل از آن هم حزب ملل اسلامی فعالیت‌های مسلحانه را آغاز کرده بود که متأسفانه به خاطر رعایت‌نکردن مسائل امنیتی، ۵۵ نفر آنها دستگیر شدند. من معمولاً در آن دوره به زندان قصر می‌رفتم و آنها را می‌دیدم.

کا از قبل با آنها ارتباط داشتید؟

نه، بعضی از آنها را از قبل می‌شناختم؛ مثل آقای حجتی کرمانی و آقای بجنوردی. من علاقه‌مند بودم که هر کسی را از شدن شاه فعالیت می‌کرد، ببینم.

کا نگران نبودید که خود شما را هم دستگیر کنند؟

نه آن زمان شرایط ملاقات کمی متفاوت بود. این‌طور نبود که حتماً بستگان تنها به ملاقات بروند. من هم با عناوین مختلف به ملاقات‌های می‌رفتم. هنگام ملاقات، معمولاً زندانیان به صورت جمعی پشت میله‌ها می‌آمدند و من بارها به دیدن مرحوم بازارگان و جمعی که با نهضت آزادی فعالیت می‌کردند، دوره‌ای هم که بعضی از شخصیت‌های مؤتلفه دستگیر شده بودند، در زندان قصر به دیدن آنها می‌رفتم. به‌عنوان نمونه به دیدن آقای عسکراولادی و آیت‌الله انواری می‌رفتم. سسنم خیلی کم بود؛ ولی علاقه‌مند نبودم و به دیدنشان می‌رفتم. سال ۵۰ که



حرکت مجاهدین خلق شروع شد، ما با تعدادی از طلاب در قم یک هسته مسلحانه تشکیل دادیم.

کا همه طلبه بودید؟

بله، همه طلبه بودند. مدتی که گذشت، سعی کردیم کتاب‌های آموزشی سازمان مجاهدین را پیدا کنیم و مطالعه کنیم.

● **کا چرا؟ شما طلبه‌ای بودید در مدرسه حقانی، سطح مدرسه حقانی هم با حوزه خیلی فرق می‌کرد و بسیار نظام‌مند بود. با توجه به آموزشی که آنجا داشتید، چرا به سراغ جزوات سیاسی مجاهدین رفتید؟**

نوع آموزش‌هایی که برای فعالیت‌های مسلحانه مورد نیاز بود، در حوزه وجود نداشت. درست است که در مدرسه حقانی برخلاف سبک سنتی حوزه که فقط فقه، اصول و منطق و فلسفه می‌خواندند، ما کتاب‌های اجتماعی و اقتصادی می‌خواندیم. حتی استاد ریاضی و استاد زبان انگلیسی داشتیم؛ یعنی بنابر نیازهای جامعه، سعی می‌کردیم خودمان را مجهز بکنیم؛ ولی شرایط

مبارزه آموزش‌های دیگری را می‌طلبید مجاهدین اولیه به‌هرحال تفصیر خاصی از اسلام نداشته؛ ولی در آن زمان جاذبه ایجاد شده بود. آنها درباره نهج‌البلاغه تفصیر نوشته بودند؛ بخش‌هایی از نهج‌البلاغه را هم انتخاب کرده بودند که انسان را تحریک به مبارزه و جهاد می‌کرد. خب این بخش‌ها در خورتوجه بود و ما علاقه‌مند بودیم بخوانیم. در حوزه اقتصادی هم مطالبی داشتند؛ مثلاً «اقتصاد به زبان ساده» که البته اشکال داشت. اقتصاد مارکسیستی را آموزش می‌دادند که ما هم می‌خواندیم.

با فرد دیگری مواجه می‌شدند! آقای هاشمی‌رفسنجانی، فردی را در ثبت‌احوال داشتند که شناسنامه‌ها را کتش می‌رفت؛ در یکی از آن شناسنامه‌ها هم عکس من را زدن و مهر کردیم. البته اگر کسی شناسنامه را استعلام می‌کرد، متوجه می‌شد که این شناسنامه واقعی نیست. این امر باعث شد که من در دو، سه مرحله حساس نجات پیدا کنم.

● **کا بعد از این هم برای ادامه فعالیت‌های مسلحانه به خارج از کشور رفتید؟**

بله. بعد از مشورت‌هایی که با دوستان کردم، از جمله آقای هاشمی‌رفسنجانی، به این نتیجه رسیدم که اگر در کشور بمانم، دیر یا زود دستگیری می‌شوم و نهایتاً این اعدام می‌شدم یا حبس ابد می‌گرفتم. توصیه آنها این بود که از کشور خارج شوم. از اواخر سال ۵۳ تلاش کردم که از مرز پاکستان خارج شوم و در نهایت فروردین سال ۵۴ وارد پاکستان شدم.

● **کا آقای هاشمی با بهشتی با فعالیت‌های مسلحانه شما موافق بودند؟**

حتماً موافق بودند. آنها هم به این نتیجه رسیدند که مجاهدین خلق اولیه گروهی مسلمان و معتقد هستند که بر اساس انگیزه‌های دینی، برای بیداری مردم، دست به مبارزه مسلحانه زداند. عموم افرادی که می‌شناختم، از جمله شهید مفتح، شهید بهشتی مرحوم آیت‌الله رفسنجانی در آغاز از این حرکت حمایت می‌کردند، ولی زمانی که آیت‌الله هاشمی باخبر شد که درون سازمان عناصری هستند که گرایش مارکسیستی پیدا کرده و تلاش می‌کنند تا رابطه عناصر مسلمان را با سازمان قطع و سازمان را مارکسیستی اعلام کنند، ایشان دست‌به‌کار شد تا با آنها مقابله کند. برنامه ایشان این بود که عناصر منحرف را قانع کند که تغییر ایدئولوژیک را اعلام نکنند تا ایشان بتوانند عناصر مسلمان را دور هم جمع کند و آنان اعلام کند که درون سازمان عناصری با گرایش مارکسیستی هستند که آنها را اخراج کردیم، اما متأسفانه این‌طور نشد. ایشان در سفری که به خارج از کشور آمد، در تاریخ تیرماه ۵۴، با بعضی از عناصر مارکسیست‌شده در خارج از کشور ملاقات و خیلی تلاش کرد آنها را متقاعد کند تا اعلام نکنند که مارکسیست شده‌اند، ایشان می‌خواست از این طریق نقشه خود را پیش ببرد، اما متأسفانه آنها در شهرپور این موضوع را اعلام کردند.

● **کا یعنی ترجیح ایشان این بود که مبارزه مسلحانه را گروه‌های مسلمان سازمان دهند؟**

بله. تلاش داشت تا نیروهای مسلمانی که عضو مجاهدین خلق بودند و بعد از تغییر ایدئولوژیک، پراکنده شده بودند، کار را ادامه دهند، ولی چون مارکسیست‌ها بعضی از آنها را به ساواک لو داده بودند به‌شدت تحت تعقیب قرار گرفتند.

کا برادر شما را هم لو دادند؟

بله.
● **کا افرخته لو داد؟**
نمی‌دانم چه کسی لو داد، ولی او هم لو رفت و دستگیر شد.

● **کا برادر شما گرایش مارکسیستی پیدا کرد یا همچنان مسلمان ماند؟**

گرایش اسلامی داشت و با تخفیف، محکوم به حبس ابد شد. در آستانه انقلاب آزاد شد. من آن زمان خارج از کشور بودم، در سوریه و لبنان با شهید محمد منتظری کاری را شروع کردیم. تلاشمان این بود که نیروهای مسلمانی را که تحت تعقیب قرار گرفته و رابطه‌شان قطع شده بود را از کشور خارج کنیم تا به بدست پلیس نیفتند. با توجه به ارتباطاتی که داشتم، بعضی از دوستان این افراد را پیدا و منتقل می‌کردند و بعضی‌ها هم خودشان به خارج از کشور می‌آمدند.

● **کا چند نفر را منتقل کردید؟ هیچ چهره آشنایی در میان آنها وجود داشت؟**

آقای هاشم غرضی و خیلی‌های دیگر بودند. از سال ۵۴ تا سال ۵۷ نزدیک به ۲۵ تا ۳۰ نفر به خارج آمدند و مقیم شدند. تعدادی هم بودند که از کشور خارج می‌شدند تا آموزش ببینند و بازگردند؛ حدوداً، ۵۰ تا ۶۰ نفر بودند. بعضی‌ها به‌طور طبیعی به خارج می‌آمدند و در سوریه با ما ارتباط برقرار می‌کردند. بعضی‌ها هم به صورت قاچاق از مرز پاکستان می‌آمدند.

● **کا با دکتر چمران هم ارتباط داشتید؟ شما بیشتر سوریه بودید؟**

در سوریه و لبنان، هردو اقامت داشتیم. آقای هاشمی‌رفسنجانی تیرماه ۵۴ به خارج آمدند و من با مرحوم شهید محمد منتظری ایشان را در دمشق ملاقات کردیم. بعد با هم به لبنان رفتیم. ایشان داوردار مرحوم چمران را می‌شناخت ولی از نزدیک ندیده بود. با هم به مجلس اعلاي شیعیان لبنان رفتیم که رئیس آن امام موسی صدر بود. با شهید چمران هم ملاقات کردیم. من از آن زمان تا پیروزی انقلاب با شهید چمران رفت‌وآمد داشتم؛ در جنگ‌های داخلی لبنان و سایر مسائل ایشان را همراهی می‌کردم.

کا شما در جریان عملیات‌های چریکی‌ای که دکتر چمران انجام می‌داد، همراهش بودید؟

من در خط اول جبهه نبودیم. ایشان به خط اول هم رفت‌وآمد می‌کرد. نیروهایی که برای آموزش به لبنان می‌آمدند هم به خط مقدم می‌رفتند. در جنگ داخلی لبنان هم شیعیان و هم اهل سنت و فلسطینی‌ها با مسیحیان درگیر بودند. در واقع یک جنگ داخلی تمام‌عیار بود. مسیحیان یک طرف بودند و مسلمانان یک طرف.

کا با امام موسی صدر چقدر ارتباط داشتید؟

خیلی. از زمانی که به اتفاق آقای هاشمی‌رفسنجانی نزد امام موسی صدر رفتیم، من مرتب با مجلس اعلاي شیعیان ارتباط داشتم.

ادامه در صفحه ۷

سال یازدهم • شماره ۲۹۶۴ ژوئیه

آینه دیروز

۹ سال پیش در چنین روزی...

کیم‌تان

- احمدی‌نژاد: طرح تحول اقتصادی، بازمهندسی اقتصاد کشور است
- کردان، رئیس هیئت ایرانی مذاکره‌کننده با شرکت کرسنت: قرارداد کرسنت قطعاً به نفع ایران نیست
- متکی، وزیر خارجه: مذاکرات جلیلی و سولانا تا رسیدن به نتایج مطلوب ادامه دارد
- ملیسا فلمینگ، سخنگوی رسمی آژانس انرژی اتمی: مواد هسته‌ای ایران تحت نظارت کامل قرار دارد
- حسینی، معاون بانک مرکزی: سود پایین تسهیلات برای عده‌ای رانت ایجاد کرده است
- تمدن، مشاور اقتصادی احمدی‌نژاد: دولت به دنبال حذف یکباره یارانه‌ها و ایجاد شوک نیست
- امیرعبدالهیان، سفیر ایران در بحرین: بیش از صد توافق‌نامه بین ایران و عراق به امضا رسیده است

ایران

- احمدی‌نژاد در دیدار اعضای بسیج مهندسين: طرح تحول اقتصادی، بازمهندسی اقتصاد کشور است
- الهام، سخنگوی دولت: توهین به مراجع تقلید مذموم و محکوم است
- واشنگتن‌تایمز: ایران در صفحه شطرنج خاورمیانه مهره وزیر را در دست دارد
- شمس‌الدین حسینی، وزیر اقتصاد خبر داد: تصویب حذف صفر-پول ملی در کارگروه تحول اقتصادی
- مهدی کوچک‌زاده، نماینده مجلس: هجمله‌های اخیر در راستای فرمان «اتمام مدارا» با دولت نهم است
- طفاله فروزنده، سخنگوی جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی: برخی در بی ایجاد فضای کاذب تبلیغاتی هستن
- محسن بهاروند، کاردار ایران در بوئس‌آیرس: افکار عمومی آرزوتنین پشتیبان برنامه هسته‌ای ایران
- امیرعبدالهیان، سفیر ایران در بحرین: ایران تغییر رفتار آمریکا را پیگیری می‌کند

آفتاب

- فرمانده نیروی زمینی سپاه: دشمنی با آمریکا و اسرائیل برای ما یک نعمت است
- روزنامه شیکاگوتریبون: اشتباهات بوش موجب افزایش چشمگیر قدرت و نفوذ ایران در منطقه شده است
- حسین ابراهیمی، عضو کمیسیون امنیت ملی: قانون انتخابات ریاست‌جمهوری باید اصلاح شود؛ اما بعد از انتخابات
- شهاب‌الدین صدر، عضو شورای مرکزی فراکسیون اصولگرایان مجلس: اظهارات مشایی نادرست بود؛ اما طرح سؤال از رئیس‌جمهور بعدی است
- موسوی‌تبریزی، دبیرکل خانه احزاب: برخی طلاب برای تخریب خاتمی احساس وظیفه می‌کنند
- عبدالله ناصری، عضو شورای عالی بنیاد باران: ناکارآمدی دولت، ذائقه سیاسی مردم را تغییر می‌دهد
- حسن ییادی، سخنگوی جمعیت آبادگران جوان: رعایت اخلاق سیاسی و اجتماعی اقتدار سیاسی را معنی می‌دهد
- محسنی‌نژای، وزیر اطلاعات: پیگیر تخلفات قرارداد کرسنت هستیم

جمهوری اسلامی

- احمدی‌نژاد: طرح تحول اقتصادی در حقیقت بازمهندسی اقتصاد کشور است
- علی کردان، وزیر کشور: با اصلاح قانون انتخابات موافقم
- مصطفی محمدنجمار، وزیر دفاع: رزمایش نیروهای مسلح با تجهیزات داخلی انجام می‌شود
- محمدمهدی زاهدی، وزیر علوم: علی کردان در هیئت علمی دانشگاه نبوده است
- متکی، وزیر خارجه: بسیاری از اتهامات آژانس رفع شده است
- حمیدرضا فولادگر، عضو کمیسیون صنایع مجلس: تسهیلات پنج میلیاردی، ۵۰ درصد سهم بخش خصوصی از حساب ذخیره ارزی است
- حسینی، وزیر اقتصاد، خبر داد: بودجه سال آینده تحت‌تأثیر طرح تحول اقتصادی خواهد بود

اطلاعات

- علی لاریجانی، رئیس مجلس، خبر داد: قوانین صداوسیما، مطبوعات و پایگاه‌های خبری اینترنتی اصلاح می‌شود
- مظاهری، رئیس‌کل بانک مرکزی، خبر داد: سود بانک‌های خصوصی و دولتی یکسان می‌شود و نرخ سپرده‌های بانکی ۹ تا ۱۹ درصد تعیین شد
- ملیسا فلمینگ، سخنگوی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: مواد هسته‌ای در ایران مفقود نشده است
- حسین قشقاوی، سخنگوی وزارت خارجه: ایران همکاری خود با آژانس را ادامه می‌دهد
- متکی، وزیر خارجه، در حکمی حسین شیخ‌الاسلام را به قائم‌مقامی وزارت امور خارجه منصوب کرد
- محمدهادی ایبازی، سخنگوی شهرداری تهران: چالش میان دولت و شهرداری اختلاف‌نظر مدیریتی است